

متن پیاده سازی شده جلسه هفتاد و هشتم سال سوم درس خارج اصول مباحث قطع و ظن - 21 اسفند 1387

بسم الله الرحمن الرحيم

دیروز در بیان نکات، سه نکته را متذکر شدیم و گفتیم که این سه نکته، نقد گفته های علما در بحث است؛ اما سه نکته دیگر باقی مانده که باید آنها را مطرح کنیم تا نظر خودمان منقح شود.

به نظر شما ما اگر خواسته باشیم راجع به اعتبار خبر واحد در غیر احکام نظر بدهیم نباید یک سری به ادله اعتبار بزنیم؛ حالا اگر کسی مثل علامه بگوید که مشکل عقلی وجود دارد ولو ادله اقتضای اعتبار مطلق را داشته باشند باز ادله باید توجیه شوند چرا که اگر ادله مخالف برهان باشند باید توجیه شوند. اما ما گفتیم مشکل عقلی ندارد شما اثر عملی می خواهید و ما هم اثر عملی را به تصویر کشیدیم و گفتیم اخبار اعتقادی اگر معتبر شد می توان به آن معتقد شد؛ نقل کرد؛ نسبت داد و... این ها هم اثر است و لذا ما از مقتضای ادله باید صحبت کنیم.

دلیل اعتبار خبر واحد چه بود؟ قرآن، اجماع، بنا عقلا، روایات، درک عقل؛ در این بحث باید یک بار دیگر به این ادله نگاه کرد مثلاً اگر بنای عقلا دلیل شما بر اعتبار خبر ثقة باشد و بگوید شارع این بنا را هم امضا کرده است؛ باید ببینید که عقلا در موارد مشابه چکار می کنند؛ مثلاً ممکن است ببینید عقلا اگر یک مساله فقهی در روزنامه نوشته شود قبول می کنند اما اگر یک مساله تاریخی یا اعتقادی نوشته شود قبول نمی کنند؛ اگر این طور باشد می گوئیم در مسائل اعتقادی خبر واحد معتبر نیست اما در احکام شرعی معتبر است.

اعتبار اخبار معارفی به واسطه روایات اعتبار دهنده حجیت خبر

استاد: ما در مساله مورد بحث، قرآن، اجماع، و بنا عقلا را نپذیرفتیم پس فقط اخبار و عقل باقی ماند به اخبار یک بار دیگر مراجعه کنید در خیلی از اخبار ما خبر مربوط به احکام مراد نیست وقتی راوی می پرسد آیا یونس بن عبد الرحمن ثقة است تا من معارف دینم را از او بگیرم؟ مراد از معارف دین، شریعت به معنی الاعم نیز است. بله ممکن است بگوئیم این اخبار شامل اخبار تاریخی نمی شود اما قطعاً شامل اخبار اعتقادی، تفاسیل برزخ، تفاسیل معاد و... می شود.

نکته: البته اخبار یا باید به حد تواتر اجمالی برسد یا محفوف به قرینه تلقی شود تا بتواند شامل اخبار اعتقادی و... شود اما از آنجا که معمولاً چون روایات سند خوبی داشتند و متواتر بودند برای این مساله کافی هستند و لذا اختصاص آن اخبار به روایات مبین شریعت معنی الاخص درست نیست مضاف بر این اهل بیت ما فقط مرجعیت فقهی نداشتند بلکه مرجعیت اعتقادی نیز داشتند لذا روات در زمینه های گوناگونی از آنها سوال می پرسیدند و لذا از اخبار می توان اعتبار اخبار معارفی را فهمید. اعتبار اخبار معارفی به واسطه دلیل عقل

در دلیل عقل اینگونه گفتیم که ما خدای داریم و او احکامی دارد و راه ما به این احکام راحت نیست از طرف دیگر می بینیم اخبار خیر الطرق است و ما راهی مطمئن تر از اخبار نداریم و لذا خبر واحد را به عنوان خیر الطرق المیسره می پذیریم. استاد: ما این جریان را می توانیم در مورد اخبار معارفی_ مثل بحث تفاسیل برزخ، تفاسیل معاد، فرشتگان، آثار مستحبات، روایات شان نزول و... پیاده کنیم. اگر به عقل درست گزارش دهیم و جزئیات را درست بیان کنیم عقل ادعان به حجیت اخبار معارفی خواهد داشت.

نکته: عقل در اینجا تذکراتی را خواهد داشت مثلاً خواهد گفت اگر یک جا اعتقاد و علم وجدانی لازم است مثل اعتقاد به توحید در آنجا خبر واحد حجت نخواهد بود. سوال می کنیم آیا می توانیم خبر را نقل کنیم به عنوان سند شرعی یا نه؟ می گوید بله چون از شارع رسیده است می توانی نقل کنی.

اگر یکجا راوی و مبلغ دین از طریق خبر واحد به یک مطلب رسیده باشد می تواند به مخاطبش جوری القا کند که او فکر کند از طریق قطعی رسیده است؛ یعنی علم مبلغ تعدی باشد ولی القائش حقیقی باشد. در پاسخ می گویم نمی شود. اینکه مرحوم آقای خویی فرمود طبق فلان مبنا می شود طبق فلان مبنا نمی شود درست نیست. آقای خویی فرمود روایت دارد کسی که سوره هل آتی را پنج شنبه بخواند کذا و کذا آقای خویی فرمود طبق مبنای ما می شود نسبت داد و لازم نیست بگویی علی ما روی و... اما طبق برخی مبانی باید بگویی علی ما روی

استاد: ما در روایات مطلبی را داریم به این مضمون که اگر مطلبی را به شما با واسطه گفته اند جوری وانمود نکنید که کأن خودتان دیده اید؛ از قدیم این مشکل بود که برخی ها از ابوصیر مطلبی را می شنیدند و میگفتند ابوصیر آدم خوبی است بعد می رفتند و می گفتند قال ابو عبدالله علیه السلام ... در روایات داریم که اینها جز کذابین هستند.

البته توجه کنید شما وقتی ماه رمضان منبر می روید به مردم می گوید خدای متعال به پیامبر فرمود کذا و کذا سند شما کتاب کافی است و... اما او برداشت می کند که این مطلب جز قطعیات است در این جا مقصر شما نیستید و کار شما اشکال ندارد او تلقی اشتباه کرده است. به عقل وقتی این جزئیات را توضیح دهید او چنین داوری خواهد کرد.

نظیر مبحث کنونی، ما در بحث کذب انشالله در مبحث توریه به تفصیلی خواهیم پرداخت و خواهیم گفت اگر یک معنایی را گوینده اراده کند و برداشت مخاطب مستند به کلام گوینده باشد این توریه جایز نیست و اگر مستند به ذهنیت خود شنونده باشد به طوری که اگر عبارت گوینده را به یک انسان خالی الذهن بدهند دو مدل برداشت می کند در اینجا توریه جایز است.

در قضیه اعتبار اخبار آحاد دیدید که آقای خویی می فرمود باید ببینید مجعول چیست؟ آیا تتمیم کشف است یا معذریت و منجزیت؛ ببینید ما بارها عرض کردیم که در این جور مسائل که قطعاً شارع مقدس تعبد ویژه ای ندارد باید ببینیم بنا عقلاً چیست؟ شما فکر می کنید مسائلی که مطرح می شود فقط برای دین ماست! عقلاً هم در قوانین خودشان قانون دارند مثلاً قاضی گاه یقین دارد گاهی اطمینان دارند گاهی هم شک می کند. ما نباید فضای عقلاً را نادیده بگیریم بلکه باید ببینیم عقلاً نسبت به امارات قائل به تتمیم کشف هستند یا معذریت و منجزیت؛ در قانون مجازات ما تقریباً 70 ماده مختص به قول کارشناسان دارد. در محیط عقلاً ما میبینیم که قانون گذار هم همان جعل منجزیت و معذریت می کند و بحث تمیم کشف را لحاظ نمی کند. اگر ما این مبنا را بپذیریم از این جهت اخبار معارفی حجت نخواهند بود. و لذا ما باید از طریق درک عقل حجیت اخبار معارفی را اثبات کنیم.

دوستان ما هنوز دو سنخ خبر داریم یک سنخ، خبر کارشناس در موضوعات شرعی که خود شارع آیه و روایتی ندارد مثلاً در اسلام آمده غنا حرام است خون نجس است سحر حرام است و... هیچ کدام از این عناوین از مخترعات شرعی نیستند یعنی شارع این ها را نیاورده است و تفسیر خاص نکرده است؛ حال اگر روایتی بیاید و غنا یا سحر یا خون و... را توضیح دهد آیا چنین خبری حجت است؟ دوستان خوشبختانه ما این قسم از اخبار را جداگانه در قول لغوی بحث کرده ایم آنجا گفتیم که قول جغرافی دان (کارشناس) در مورد مسجد شجره یا میقات و... اگر اطمینان بیاورد حجت است و الا حجت نیست. این سنخ را هم پاسخ داده بودیم و فقط یک سنخ باقی می ماند و آن، خبر واحد از امام علیه السلام یا غیر امام علیه السلام در مصادیق احکام است مثلاً خبر واحد بگوید فلانی مجتهد است یا اعلم است یا فاسق است و...

والحمد لله رب العالمین